

مطالعه کیفی انگاره‌های ذهنی شخصی و خویشن در میان دو شکل دانشجویی؛ «انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی دانشگاه تهران»*

سعیدرضا عاملی^۱، منصوره حجاری^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۸، تاریخ تایید: ۹۷/۱۰/۴

چکیده

این مقاله، به مطالعه انگاره‌های ذهنی شخصی بسیج و خویشن انجمن اسلامی پرداخته است. افراد، اغلب دیگران را براساس انگاره‌هایی که در ذهنشان از دیگری وجود دارد، درک می‌کنند و بر همین اساس، سعی می‌کنند با دیگران ارتباط برقرار کنند. بر اساس نظریه نیشیدا، انگاره‌های ذهنی مجموعه‌ای از تجربیات گذشته هستند که در گروه‌های دانشی مرتبط، دسته‌بندی شده‌اند و برای راهنمایی رفتارهای ما در موقعیت‌های آشنا به کار می‌روند. رویکرد روشی، کیفی است و در مجموع با ۴۶ نفر از اعضای تشکل‌ها مصاحبه نیمه‌ساخت یافته انجام شده است و در نهایت انگاره‌های ذهنی شخصی بسیج و انگاره‌های خویشن انجمن اسلامی، با یکدیگر مقایسه شده است. با استفاده از تحلیل مضمون داده‌ها، پنج انگاره ذهنی شخصی اعضای بسیج نسبت به اعضای انجمن، شناسایی شد که شامل «مخالفت‌ورزی»، «تجددگرایی»، «نسی‌گرایی اخلاقی»، «سطحی‌گرایی» و «مطلق‌گرایی» است. از میان این مضامین دو مضمون تکثرگرایی و روشنفکری دینی که ذیل مضمون «تجددگرایی» تعریف شده‌اند از مضامینی است که انگاره‌های خویشن اعضای انجمن نسبت به خودشان هست و تحت عنوان انگاره‌های مشابه نام‌گذاری شده است. همچنین مضمون «تناقض» و «روابط آزاد»، از مضامین خودانگاره از منظر دیگری هستند که با انگاره شخصی اعضای بسیج مشابهت دارد. انگاره‌های دیگر خویشن انجمن از منظر خود شامل «هویت سیال»، «التزام به ولایت فقیه»، «دین‌داری-دین داری ضعیف» است. آنها به مضمون هویت سیال به‌عنوان یک خودانگاره اشاره می‌کنند، در حالی که اعضای بسیج، مضمون «هویت سلبی» را به‌عنوان یک انگاره شخصی در مورد آنها بیان می‌کنند.

واژگان کلیدی: انگاره‌های ذهنی، تشکل‌های دانشجویی، انگاره‌های خویشن، انگاره‌های شخصی

^۱ استاد ارتباطات و مطالعات آمریکای، دانشکده علوم اجتماعی و دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران
ssameli@ut.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد علوم ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) Hajjari@ut.ac.ir
* این مقاله بخشی از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مطالعه کیفی انگاره‌های ذهنی بین تشکل‌های دانشجویی» است که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران دفاع شده است.

مقدمه

یکی از چالش‌های مهمی که جامعه ایرانی با آن روبه‌روست، عدم شکل‌گیری گفت‌وگو و تعامل سازنده است. عموماً افراد با توجه به نگرش‌ها و تجربیات متفاوتی که دارند، به گروه‌های ارزشی مختلفی تعلق پیدا می‌کنند، همین امر سبب اختلافات و تعارضاتی در نگرش و عملکرد افراد می‌شود. اینکه در یک جامعه، افراد متعلق به هر یک از این گروه‌های ارزشی، چه‌طور یکدیگر را درک می‌کنند و در تعامل با هم چگونه عمل می‌کنند، سؤال بسیار مهمی است که مبنای شکل‌گیری مقاله حاضر است. مطالعات حوزه ارتباطات بین فرهنگی^۱ در صدد پاسخگویی به این سؤال است که «چگونه مردم دیگری را درک می‌کنند یا می‌فهمند؛ به‌ویژه زمانی که در یک تجربه فرهنگی مشترک، یکسان نیستند؟» (Bennett, 1986). همراهِ^۲ (2003) معتقد است «از آنجا که مسائل ممکن است به‌طور کامل روشن نشوند، تعاملات اجتماعی مسیر درست خود را پیدا نمی‌کنند» (Hammer, 2003: 423). انگاره‌های ذهنی در برقراری یک ارتباط درست و تعامل سازنده، نقش مهمی ایفا می‌کنند. به‌علت وجود انگاره‌های منفی، همواره تصویر مبهمی از یکدیگر در میان گروه‌های مختلف اجتماعی وجود دارد. شناخت این انگاره‌ها و کشف رابطه میان آنها می‌تواند تصویر درستی از علل انسداد گفت‌وگو و تعامل در جامعه ایرانی به‌دست دهد. این نکته که «توسعه ارتباطات با هدف تفاهم و شناخت، سبب کاهش اختلال‌های ارتباطی می‌شود»، یک اصل ارتباطی است (عاملی و حجاری، ۱۳۹۷).

روان‌شناسان اجتماعی، اطلاعات زیادی در مورد بنیان‌های انگیزشی و شناختی کلیشه‌ها و نگرش‌های معطوف به گروه‌های اجتماعی، در مورد تعصبات درون‌گروهی، ادراک بین‌گروهی، تأثیر انتظارات مبتنی بر طبقه‌بندی در برخوردهای میان فردی و همین‌طور عواقب تماس‌های بین‌گروهی دارند. عواقب عاطفی و رفتاری ناشی از انگاره‌های ذهنی، منجر به ایجاد موقعیت‌هایی می‌شود که باعث بی‌اعتمادی میان گروه‌ها می‌شود. با این دیدگاه، در طبقه‌بندی اجتماعی باید دید تماس‌های درون‌گروهی و همکاری‌ها چگونه می‌تواند بازنمودهای شناختی را تغییر دهد و راه را برای از بین بردن انگاره‌های ذهنی منفی هموار کند (Brewer, 1997). (201) در کلیشه‌سازی برای اشخاص یا گروه‌ها معمولاً ویژگی‌هایی به آنان نسبت داده می‌شود که می‌تواند بی‌انتهای و در نهایت بسیار متنوع باشد. نقش کلیشه، این است که وسیله‌ای برای پیش‌بینی رفتار دیگران در اختیار ما قرار دهد، هرچند که ممکن است کلیشه مبتنی بر واقعیت نباشد (نیک گوهر، ۱۳۶۹: ۲۸۳). جمعیت‌های اجتماعی و گروه‌های مختلفی با نگرش‌های فرهنگی، دینی و سیاسی متفاوت در جامعه ایران وجود دارند، در این مقاله، دو شکل

^۱ Intercultural Communication

^۲ Hammer

دانشجویی که به‌لحاظ دیدگاه‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی، تعارضاتی با یکدیگر دارند، به‌عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. یکی تشکل انجمن اسلامی و دیگری بسیج دانشجویی دانشگاه تهران، این مقاله، به‌دنبال کشف انگاره‌های ذهنی شخصی بسیج دانشجویی و خویشتن انجمن اسلامی و یافتن رابطه‌ی میان این انگاره‌هاست.

مبانی نظری: انگاره‌های ذهنی

ربر و ربرز^۱ (Reber & Robers, 2001: 649) معتقد است: «یک طرح کلی، یک ساختار، یک چارچوب، یک برنامه یا هر چیزی که هر یک از این معانی را تداعی می‌کند، انگاره‌های شناختی هستند». مفهوم انگاره‌های ذهنی در واژه‌هایی مانند اسکریپت^۲، چارچوب^۳، مفهوم کلی^۴، سناریو^۵ و... در مطالعات روان‌شناختی دیده می‌شود (به نقل از: Sharifiani & Jamarani, 2011: 228). هنگامی که یک شخص، وارد یک موقعیت آشنا می‌شود، دارای یک ذخیره اطلاعاتی مناسب است برای اینکه در موقعیت بازبایی شده آن را به‌کار گیرد و نقش متناسب با آن را ایفا نماید. به‌عبارت دیگر، هر تعاملی که در جهان اجتماعی رخ می‌دهد، با توجه به یک چارچوب شناخته‌شده و آگاهی‌های از پیش کسب‌شده شکل می‌گیرد. این آگاهی‌های از پیش به دست آمده و شناخته شده را اسکیمات^۶ و یا اسکیماتا^۷ می‌نامند. انگاره ذهنی مجموعه‌ای از تجربیات گذشته هستند که در گروه‌های دانشی مرتبط دسته‌بندی شده‌اند و برای راهنمایی رفتارهای ما در موقعیت‌های آشنا به‌کار می‌روند (Nishida, 1999: 757).

انگاره‌های ذهنی ساختارهای شناختی هستند که شامل دانش تعاملات چهره‌به‌چهره در محیط اجتماعی می‌شوند. زمانی که ما یا یک عضو از فرهنگ مشابه در موقعیت‌های معین برای زمان طولانی برخورد داریم و یا زمانی که در مورد اطلاعات مشخصی با آنها صحبت می‌کنیم، انگاره‌های ذهنی در ذهن ما شکل می‌گیرند و ذخیره می‌شوند. افراد انگاره‌های ذهنی خود را به‌وسیله تجربیات مستقیم خود و همچنین صحبت در مورد انگاره‌های ذهنی، توسعه می‌دهند. زمانی که انگاره‌های ذهنی، به‌صورت محکم شکل می‌گیرند، اطلاعات انگاره‌های ذهنی بیشتر قابل استفاده می‌شوند. هنگامی که انگاره‌های ذهنی در ذهن شکل می‌گیرند و سازمان‌یافته می‌شوند، ارتباطات از طریق انگاره‌های ذهنی

¹ Reber

² Script

³ Frame

⁴ Global concept

⁵ Scenario

⁶ Schemas

⁷ Schemata

آسان‌تر انجام می‌گیرد و در این صورت، رفتارهای اعضای فرهنگ مشابه شکل می‌گیرد (Nishida, 1999: 756).

انواع انگاره‌های ذهنی

انگاره‌های ذهنی تعاملات اجتماعی به چندین نوع تقسیم می‌شوند. تایلور و کروکر^۱ (۱۹۸۱) به مواردی از انگاره‌های ذهنی اشاره کرده‌اند که شامل انگاره‌های شخصی^۲ که شامل دانشی است که در برگیرنده ویژگی‌های شخصیتی افراد است و انگاره‌های خویشتن^۳ که شامل دانش و آگاهی در مورد خود افراد است (Taylor & Croker, 1981). آگوستین و واکر^۴ (۱۹۸۵)، معتقدند انگاره‌های ذهنی شخصی، خویشتن، نقش و رویداد، انواع ابتدایی انگاره‌های تعامل اجتماعی هستند، به این ترتیب، انواع انگاره‌ها را می‌توان به این شکل تعریف کرد، انگاره‌های ذهنی حقیقت و مفهوم^۵ که بخشی از دانش کلی هستند در مورد حقایق موجود (Nishida, 1999: 757). انگاره^۶ ذهنی نقش شامل دانش در مورد نقش‌های اجتماعی که شامل مجموعه رفتارهایی است که از مردم در موقعیت‌های اجتماعی خاص انتظار می‌رود (Nishida, 1999: 758). انگاره^۷ ذهنی زمینه‌ای شامل اطلاعات در مورد موقعیت و زمینه مناسب پارامترهای رفتاری می‌شود. انگاره^۸ ذهنی رویه‌ای^۷ که در مورد توالی رویدادها در موقعیت‌های مشابه است. این قوانین رفتاری باعث می‌شود افراد در موقعیت‌های مشابه، رفتار یکسانی بروز دهند. انگاره^۹ ذهنی استراتژی^۸ که دانش در مورد استراتژی‌های حل مسئله هستند. انگاره^۹ ذهنی احساسی^۹ نیز شامل اطلاعاتی است که درباره تأثیر و ارزیابی، در حافظه طولانی مدت ذخیره شده است که البته زمانی در دسترس قرار می‌گیرد که انگاره‌های ذهنی دیگر فعال شده باشند (Nishida, 1999: 759). اما دو نوع از انگاره‌های ذهنی که در این مقاله مورد مطالعه قرار می‌گیرد، انگاره‌های ذهنی شخصی و انگاره‌های ذهنی خویشتن است که در ادامه شرح داده می‌شود:

۱- انگاره‌های ذهنی شخصی: شامل ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌شود (Nishida,

1999: 757). انگاره‌های ذهنی مربوط به اشخاص شامل درک و فهم مردم از روان‌شناسی افراد خاصی است و بر صفات و اهداف افراد تأکید دارد، مانند نمونه‌های طبقه‌بندی صفات برخی

¹ Taylor and Crocker

² Person schemas

³ Self schemas

⁴ Augustinos and Walker

⁵ Fact-and-concept schemas

⁶ Context schemas

⁷ Procedure schemas

⁸ Strategy schemas

⁹ Emotion schemas

افراد مذهبی معتقد و متعهد یا فعالان اجتماعی (ایروانی و باقریان، ۱۳۸۳: ۵۹).

۲- انگاره‌های ذهنی خویش‌تن: شامل انگاره‌های ذهنی که افراد از خود دارند (آنها چگونه خود را می‌بینند و دیگران چگونه آنها را می‌بینند). مارکوس (۱۹۷۷)، به‌عنوان مثال بیان می‌کند که تعمیم شناختی در مورد خود، از تجربیات گذشته نشأت گرفته است که پردازش اطلاعات مربوط به خود که شامل تجربیات اجتماعی افراد می‌شود را سازماندهی می‌کند و راهنمایی می‌کند. بنابراین انگاره‌های ذهنی خود، هسته اصلی هویت و تعریف خود را شکل می‌دهند (Markus, 1977) (این نقل قول باید مستند به یک منبع شود که بهتر است از خود مارکوس نقل قول شود). طبق نظر ترنر^۱ (۱۹۸۷)، حداقل سه سطح از اهمیت انگاره‌های ذهنی خویش‌تن^۲ در مورد مفهوم خود وجود دارد: بالاترین سطح، شامل یک انسان با ویژگی‌های مشترک است که این ویژگی‌ها را با اعضای دیگر هم نوعش به اشتراک گذاشته است. سطح میانی، از سازماندهی درون‌گروهی و برون‌گروهی که یک فرد را به‌عنوان عضو یک گروه خاص اجتماعی و نه دیگران تعریف می‌کند و نازل‌ترین سطح، شامل سازماندهی افراد به‌عنوان یک فرد خاص (Nishida, 1999: 758). خصوصیتی را که ما نسبت به داشتن آنها در خود به‌روشنی اطمینان داریم، «خودانگاره» گویند. اکثر مردم تصورات روشنی از خودشان در مورد برخی ویژگی‌ها دارند (ایروانی و باقریان، ۱۳۸۳: ۵۹).

تمامی انواع انگاره‌های ذهنی، حافظه ما را در جهت مناسب سازماندهی می‌کنند. بیشترین تأثیر انگاره‌های ذهنی در مرحله رمزگردانی اطلاعات و رمزگشایی و یادآوری آنهاست که به‌نحوی نقش راهنمایی آنها را ایفا می‌کند. بسیاری از انگاره‌های ذهنی اجتماعی در جریان تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند (ایروانی و باقریان، ۱۳۸۳: ۶۳-۶۴).

در این مقاله انگاره‌های شخصی و انگاره‌های خویش‌تن از میان دسته‌بندی انگاره‌ها از نظر نیشیدا (۱۹۹۹)، تایلور و کراکر (۱۹۸۱) و ترنر (۱۹۸۷)، انتخاب شده‌اند و در میان دو تشکل دانشجویی مورد مطالعه قرار گرفته است.

مطالعات پیشین

در ایران پژوهش در حوزه مطالعات بین فرهنگی، بسیار کم انجام شده است. چندین مورد پژوهش در ارتباط با حساسیت بین فرهنگی در میان اقوام و مذاهبی که در ایران وجود دارند، انجام گرفته است. از جمله این موارد، می‌توان به مقاله حمیده مولایی اشاره کرد با عنوان «جهانی‌شدن و حساسیت‌های بین فرهنگی؛ مطالعه موردی روابط میان فرهنگی اهل تسنن و

¹ Turner

² Self-categorization (self schemas)

تشیع در استان گلستان» که طبق مدل نظری شش مرحله‌ای حساسیت‌های بین‌فرهنگی بنت، طراحی شده است. نتایج نشان داد تمایل افراد نسبت به یکدیگر در مرحله سوم حساسیت‌های بین‌فرهنگی یعنی دست‌کم‌گرفتن تفاوت‌ها می‌باشد (عاملی و مولایی، ۱۳۸۸).

چندین مطالعه هم با تمرکز بر موضوع طرح‌واره‌های ذهنی و رابطه آن با حساسیت بین‌فرهنگی در ایران انجام شده است. یکی از این مطالعات، پایان‌نامه‌ای است با عنوان «بررسی آثار ارتباطات میان فرهنگی زوج‌های ایرانی و فرانسوی عضو انجمن دوستی ایران و فرانسه ساکن تهران بر انگاره‌های ذهنی و کاهش حساسیت بین‌فرهنگی آنها» که توسط شیما حکیمی‌مهدی‌آبادی انجام شده است (حکیمی‌مهدی‌آبادی، ۱۳۹۰).

پایان‌نامه‌ای نیز توسط ایمانه عاملی با عنوان «مطالعه رابطه انگاره‌های ذهنی و هویت فرهنگی نسل دوم ایرانیان مقیم امریکا (ایرانی-امریکایی‌ها) در ایران انجام شده است که با استفاده از مصاحبه‌های متمرکز گروهی از نسل دوم ایرانی-امریکایی‌ها به فهم هویت فرهنگی این نسل پرداخته است (عاملی و عاملی، ۱۳۹۰). احسان شاه‌قاسمی (۱۳۹۳) نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «انگاره‌های بین‌فرهنگی امریکائیان از مردم ایران» نیز به مطالعه انگاره‌های ذهنی امریکائیان از مردم ایران پرداخته است. در این زمینه، انگاره‌های بین‌فرهنگی مثبت، منفی و خنثای این افراد نسبت به ایرانیان شناسایی شده است (شاه‌قاسمی، ۱۳۹۳).

مقاله‌ای نیز با عنوان «مطالعه انگاره‌های ذهنی تشکل‌های دانشجویی دانشگاه تهران، انگاره‌های شخصی انجمن اسلامی و خویش‌ن بسیج دانشجویی» به رابطه میان انگاره‌های ذهنی در میان این دو تشکل دانشجویی پرداخته است و انگاره‌های شخصی اعضای انجمن اسلامی که شامل سه مضمون مطلق‌گرایی، سنت‌گرایی و نسبی‌گرایی اخلاقی است در مقابل انگاره‌های خویش‌ن اعضای بسیج که شامل انگاره‌های خویش‌ن از منظر دیگری و از منظر خود می‌باشد، مورد مطالعه قرار گرفته است و در نهایت انگاره‌های متضاد و مشابه بین این دو تشکل دانشجویی شناسایی شدند (عاملی و حجاری، ۱۳۹۷).

در پژوهش‌های پیشین، عموماً انگاره‌های ذهنی، به‌تنهایی در مورد یک گروه مورد توجه قرار گرفتند. در مقاله حاضر سعی می‌شود رابطه میان انگاره‌های ذهنی میان دو گروه، مورد مطالعه قرار گیرد.

روش پژوهش

در این مقاله، با توجه به موضوع مورد مطالعه، از رویکرد کیفی استفاده شده است. تحقیق کیفی در واقع، شیوه منظم بررسی به منظور فهم موجودات انسانی و تعامل آنها با خود و محیط اطرافشان تعریف می‌شود که یک روش کل‌نگر است (Polite, 1992: 220) و به‌منظور جمع‌آوری

داده‌ها، از مصاحبه نیمه‌ساخت یافته انجام شده است. مصاحبه نیمه‌ساخت یافته مصاحبه‌ای است که در آن، سؤالات مصاحبه از قبل مشخص می‌شود (دلور، ۱۳۸۰: ۱۵۷-۱۵۸). نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری هدفمند است که عمدتاً در رویکردهای کیفی استفاده می‌شود و با استفاده از نمونه‌گیری گلوله‌برفی که در پژوهش‌های مبتنی بر مصاحبه، به کار می‌رود، انجام شده است. در این روش، نمونه‌ها از طریق معرفی کسانی که می‌دانند پژوهشگر به دنبال چه افرادی با چه ویژگی‌هایی است، گرد می‌آید و شاید تنها راه دسترسی به گروه‌های دیرپاب یا افراد درگیر در کارهای حساس باشد (لیندلاف، ۱۳۸۸: ۱۷۱). در این مقاله نیز اعضای تشکل‌ها با معرفی اعضای دیگر، به محقق به توسعه نمونه‌ها کمک کردند، در مجموع با ۴۶ نفر از اعضای فعال و مسئولان دو تشکل دانشجویی بسیج و انجمن اسلامی در دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران، مصاحبه انجام شد. محورهای اصلی سؤالات مصاحبه به این شرح است:

۱- انگاره‌های ذهنی شخصی اعضای بسیج دانشجویی نسبت به اعضای انجمن اسلامی، شامل چه مضمون‌هایی است؟

۲- انگاره‌های ذهنی خویشتن اعضای انجمن اسلامی، شامل چه مضمون‌هایی است؟

۳- تجربه‌هایی که در هر دو تشکل منجر به شکل‌گیری این انگاره‌های ذهنی شده‌اند، چه تجربه‌هایی هستند؟

تحلیل داده‌ها توسط روش تحلیل مضمون انجام شد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (Broun & Clork: 2006). کینگ و هاروکز در سال ۲۰۱۰ با بررسی و جمع‌بندی تلاش‌های دیگر پژوهشگران تحلیل مضمونی، فرایندی سه‌مرحله‌ای را برای تحلیل مضمون ارائه داده‌اند. این فرایند شامل سه مرحله است که در ادامه، تشریح می‌گردد (مهری و همکاران، ۱۳۹۳ به نقل از یآوری ۱۳۹۱).

مرحله اول: کدگذاری توصیفی

غرق‌شدن در داده‌ها، مستلزم مطالعه و مرور مکرر داده‌ها به روشی فعال است. در این مرحله، حداقل یک‌بار قبل از شروع کدگذاری، کل داده‌ها مطالعه شده است؛ در پژوهش حاضر، در ابتدا بارها متن مکتوب داده‌ها بازخوانی شد و کدهای اولیه‌ای در متن مصاحبه‌ها کشف شد. به دنبال کشف کدها، کدهایی که در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به‌طور مشترک وجود داشت، شناسایی شد و به‌طور طبقه‌بندی‌شده در کنار یکدیگر قرار گرفت. به‌عنوان مثال در میان پاسخ‌های تعدادی از پاسخگویان واژه‌هایی مانند تقلید از یک شخص، تعصب روی یک فرد، دنباله‌روی از یک فرد و... وجود داشت که این کدها حاکی از یک مفهوم مشترک است که به نام شخص‌گرایی نام‌گذاری شده است.

مرحله دوم: کد گذاری تفسیری

گام دوم، زمانی آغاز می‌شود که پژوهشگر، داده‌ها را مطالعه کرده و با آنها آشنا شده باشد. همچنین، فهرستی اولیه از ایده‌های موجود در داده‌ها و نکات جالب آنها، تهیه کرده باشد؛ لذا این گام، مستلزم ایجاد کدهای اولیه از داده‌هاست. به‌عنوان مثال، خرده‌مضمون‌هایی مانند «شخص‌گرایی»، «جزم‌اندیشی»، «جناح‌گرایی» و «انحصارطلبی» ذیل مضمون «مطلق‌گرایی» قرار داده‌شد.

مرحله سوم: یکپارچه‌سازی

گام سوم یکپارچه‌سازی، وقتی شروع می‌شود که همه داده‌ها، کدگذاری اولیه و گردآوری شده باشد و فهرستی طولانی از کدهای مختلف در مجموعه داده‌ها، شناخته شده باشد. در این گام که به تحلیل در سطحی کلان‌تر از کدها تمرکز دارد، همه داده‌های کدگذاری شده مرتبط با هر یک از مضامین، شناخته و گردآوری می‌شود. در این مرحله، می‌توان از شکل، نمودار، جدول، نقشه‌های ذهنی و یا نوشتن نام هر کد برای مرتب‌کردن کدهای مختلف در قالب مضامین بهره گرفت (مهری و همکاران، ۱۳۹۳ به نقل از یآوری ۱۳۹۱). در ادامه تحلیل داده‌ها، با استفاده از نقشه و نمودار داده‌ها طبقه‌بندی شد و با مرتب‌کردن کدهای مختلف و نام‌گذاری مضامین، سعی شد ارتباط خرده‌مضمون‌ها با یکدیگر و همچنین ارتباط مضمون‌ها با یکدیگر مشخص شود که در شکل ۱ آمده است.

همچنین نقاط افتراق و شباهت میان انگاره‌های ذهنی شخصی و خویشتن نیز مشخص شد. به‌عنوان مثال مضمون تناقض و روابط آزاد، از مضامین خودانگاره انجمن اسلامی (از منظر دیگری) هستند که با انگاره شخصی اعضای بسیج مشابهت دارد. بی‌بی در مورد روش اعتبارسنجی، تأکید می‌کند که در تحقیقات کیفی، بهتر است از اعتبار و روایی که به دقت شاخص‌های اندازه‌گیری بر می‌گردد، به‌جای قابلیت اتکا که به‌معنی تکرارپذیری در آزمون مجدد است و بیشتر در تحقیقات کمی کاربرد دارد، استفاده کرد (بی‌بی، ۱۳۸۴).

روش اعتبارسنجی این پژوهش، «روایی تفسیری» است و با ارائه و بازخورد نتایج پژوهش به صاحب‌نظران، تأیید نهایی آن اعمال گردید. برای سنجش روایی تحقیق حاضر، مضمون‌های فراگیر اصلی از چارچوب نظری انتخاب شده است. در مورد اشباع نظری نیز حین انجام مصاحبه‌ها به مرحله‌ای رسیدیم که در پاسخ‌های پاسخگویان مفاهیم تکراری وجود داشت.

تحلیل یافته‌ها

در این بخش مضمون‌ها و خرده‌مضمون‌های حاصل از کدگذاری‌ها در قالب دو عنوان کلی انگاره‌های شخصی بسیج دانشجویی و انگاره‌های خویشتن انجمن اسلامی ارائه می‌شود.

انگاره‌های شخصی اعضای بسیج در مورد اعضای انجمن اسلامی

بعد از کدگذاری و دسته‌بندی خرده‌مضمون‌های حاصل از پاسخ‌های اعضای بسیج دانشجویی، مضمون‌های کلی‌تری به دست آمد که در ذیل مضمون انگاره‌های شخصی بیان می‌شود. این انگاره‌ها شامل «مخالفت‌ورزی»، «مطلق‌گرایی»، «سطحی‌گرایی»، «تجددگرایی» و «نسبی‌گرایی اخلاقی» هستند. ذیل هر یک از خرده‌مضمون‌ها، پاسخ مصاحبه‌شوندگان ذکر می‌شود، البته به‌علت طولانی‌شدن متن، تنها یک یا دو پاسخ ارائه می‌شود.

الف) مخالفت‌ورزی

یکی از مضامینی که از چهار خرده‌مضمون «اپوزوسیون، انتقاد غیر سازنده، مخالفت بدون هزینه و هویت سلبی» شکل گرفته، مضمون «مخالفت‌ورزی» است. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان اعتقاد دارند، عنصر مخالفت مؤلفه مهمی در شکل‌گیری هویت سلبی در میان اعضای تشکل انجمن اسلامی است. اولین خرده‌مضمونی که از جانب پاسخگویان مطرح می‌شود، اپوزوسیون است. مرد، کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای:

«اگر جمهوری اسلامی هر کاری انجام دهد، اینها خلاف آن را قبول دارند. اگر حاکمیت بگوید روز است، اینها می‌گویند شب است. اگر حاکمیت بگوید ثقلب نشده اینها می‌گویند ثقلب شده. کلاً یک دید اشتباهی دارند که فکر می‌کنند باید خلاف جهت عمل کنند».

زن، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی:

«فکر می‌کنم اپوزوسیون بودن، ویژگی اصلی انجمن است».

تعدادی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند انتقادهایی که از طرف جریان فکری مقابل آنها مطرح می‌شود، نقدهایی نیست که به نیت اصلاح امور جامعه مطرح شود. زن، کارشناسی شیمی:

«ببینید حتی شاید در جاهایی ضد نظام نباشند، ولی تعبیر رسانه‌های خارجی مؤید آنهاست. مثلاً ممکن است نقدی داشته باشند به یک شخصی در مملکت که همان نقد را هم بچه‌های بسیج داشته باشند، ولی نحوه‌ای که در بوق و کرنا می‌کنند، این باعث می‌شود که تعبیر ضد نظام بودن از آنها برداشت شود».

زن، کارشناسی حقوق:

«ببینید تعریف اصلاحات هم متفاوت است. اصلاحی که در طیف ما وجود دارد، در نهایت اصلاحاتی را مدنظر دارد که به نظام و جامعه کمک کند و اصلاحاتی که آن طرف به دنبالش است، اصلاحی است که به دنبال تغییر ساختار است».

پاسخ‌گویان معتقدند افراد در تشکل مقابل حاضر نیستند بهای مبارزه خود را بپردازند و در

واقع خواهان مبارزه بدون هزینه هستند.

مرد، کارشناسی ارشد حقوق:

«ما در دوره رییس سابق دانشگاه، به خاطر تجمع به خاطر اهانت به امام هادی(ع)، به کمیته انضباطی احضار شدیم و من یک ترم تعلیق شدم. به خیلی از برنامه‌های ما مجوز نمی‌دادند. اینها هزینه‌هایی است که ما دادیم، ولی آنها چه هزینه‌ای در قبال مخالفتشان تا به حال پرداخت کرده‌اند؟»

زن، دکتری جامعه‌شناسی:

«البته من می‌گویم شرافت یک فرد انجمنی به نظر من چون مسئله‌مند است، از کسی که بی‌تفاوت است بیشتر است. البته به نظر من باید بهای این مبارزه‌اش را بپردازد، ولی آنها حاضر نیستند بهای مبارزه‌شان را بدهند.»

فقدان چارچوب و اصول ثابت از موضوعات دیگری است که در انگاره‌های ذهنی اعضای بسیج دانشجویی نسبت به تشکل انجمن اسلامی وجود دارد. آنها معتقدند فقدان اصول و چارچوب مورد قبول سبب می‌شود تا انجمن، هویت سلبی داشته باشد.

زن، کارشناسی شیمی:

«به نظرم حتی جاهایی که بسیج مخالفت خود را آشکار می‌کرد آنها دوست نداشتند این مخالفت را ببینند؛ یعنی چون خودشان مخالف بودند، نمی‌خواستند مخالف دیگری را در کنار خود داشته باشند چون هویتشان زیر سؤال می‌رفت، مثل تئوری توطئه که می‌گوید اگر دشمن نداشته باشم، هویتم از بین می‌رود.»

ب) مطلق‌گرایی

مطلق‌گرایی از مضامین دیگری است که شامل خرده‌مضمون‌های «شخص‌گرایی»، «جزماندیشی»، «جناح‌گرایی» و «انحصارطلبی» است. مصاحبه‌شوندگان معتقدند اعضای تشکل مقابل، افرادی را به‌عنوان معیار تفکر خود برگزیده‌اند که این انگاره تحت عنوان شخص‌گرایی آمده است.

زن، کارشناسی علوم سیاسی:

«من احساس می‌کنم که ما هر چقدر ولی فقیه را قبول داریم، آنها صد برابرش آقای خاتمی را قبول دارند. یعنی شخص‌محوری آنها خیلی زیاد است.»

مرد، کارشناسی مهندسی مکانیک:

«در مورد روشنفکری می‌توانم به تئوریسین‌ها و ایدئولوگ‌هایی که دارند، اشاره کنم که مثلاً وقتی آقای... حرفی می‌زند، چون صرفاً در دل حرف‌هایش مخالفت با نظام وجود دارد، این می‌شود بهترین حرف، سیر تفکراتشان هم همسو با رهبران روشنفکری است.»

جزماندیشی خرده‌مضمون دیگری است که در ذیل مفهوم «مطلق‌گرایی» قرار می‌گیرد. این واژه به این سبب به انگاره‌های ذهنی پاسخگویان اطلاق می‌شود که آنها معتقدند جریان فکری مقابل، قائل به اندیشه‌ورزی و تفکر نیست و حاضر به تغییر اصول فکری خود، نیست. زن، کارشناسی فلسفه:

«چیزی که به ذهنم می‌رسد فاشیست، تفکر کلیشه‌ای، دارای سازماندهی یعنی تشکل به معنای واقعی کلمه. البته این بیشتر مربوط به افراد سردمدار این جریان است. در مورد بچه‌های عضو انجمن، فقط می‌توان تفکر قالبی و کلیشه‌ای داشتن را بگویم».

مصاحبه‌شوندگان معتقدند افراد عضو انجمن اسلامی، تحت تأثیر جناح سیاسی نزدیک به خود هستند و به جناح اصلاح‌طلب تعلق خاطر دارند و این مسئله آنها را از موقعیت دانشجویی‌شان دور کرده است.

زن، کارشناسی علوم سیاسی:

«معتقد هستم که شورای مرکزی هم اراده‌ای ندارد. احساس می‌کنم یک سازماندهی کاملاً تشکیلاتی دارند. سر انتخابات شورای صنفی به من گفتند که شورای صنفی راه بیندازیم که سیاسی نباشد. ما هم با هم توافق کردیم، ولی در آخر انجمن زیر همه چیز زد».

پاسخگویان معتقدند تشکل انجمن اسلامی بر خلاف ادعاهای دموکراسی‌خواهی و روشنفکری، در ساختار خود انحصارگرایانه برخورد می‌کند.

مرد، کارشناسی ارشد علوم سیاسی:

«در انجمن، وقتی از ۲۸ دفتر، ۱۴ دفتر، انتخابات را تحریم می‌کنند آیا این انتخابات است؟ و عده‌ای از آنها می‌گویند این افراد نماد فکری ما نیستند. علوم اجتماعی سال‌هاست در انتخابات شرکت نکرده».

مرد، کارشناسی ارشد حقوق:

«در انجمن حقوق، جریانی بودند که چند بار پشت سر هم رأی آوردند و شورای مرکزی انجمن نمی‌خواست که آنها سر کار باشند، برای همین چند سال صبر کردند تا آن جریان فارغ‌التحصیل شدند و دفترشان را در دانشکده حقوق تعطیل کردند تا جریانی که به آنها نزدیک‌تر است، بیاید. چند نفر را رد صلاحیت کردند، به علت رفت و آمد به دفتر بسیج!».

ج) سطحی‌گرایی

مضمون سطحی‌گرایی شامل خرده‌مضمون‌های «ژست روشنفکری»، «تفکر غیرمنطقی»، «بی‌توجهی به مسائل اجتماعی»، «شاد و هپی» و «هیاهو و جنجال» می‌باشد. به این معنا که

پاسخگویان معتقدند افرادی که در انجمن اسلامی عضو می‌شوند، دغدغه مسائل اجتماعی را ندارند و یا اگر به مسائل اجتماعی توجه می‌کنند، به صورت سطحی با آن برخورد می‌کنند. مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کنند که یکی از نشانه‌های سطحی‌گرایی در تشکل مقابل، «ژست روشنفکری» است.

زن، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی:

«مثلاً فردی هست یک مدت علاقه‌مند به تفکرات مارکس می‌شود و چپی می‌شود و ظاهرش هم به همان سمت می‌رود و یا سبیل نیچه‌ای، یعنی انتقاد و اعتراض صرفاً برایش یک ژست است و نه محتوا. آدم‌ها برای اثبات وجود خودشان در یک محیط علمی، دو کار می‌توانند انجام دهند؛ یکی اینکه آن قدر بخوانند تا به یک تفکر عمیقی برسند، یا اینکه ژست روشنفکری بگیرند و...»

خرده‌مضمون «تفکر غیر منطقی» حاکی از این است که مصاحبه‌شوندگان، افراد تشکل انجمن اسلامی را افراد غیر منطقی می‌دانند که در روش اندیشیدن، استدلال‌های بدون منطق را به کار می‌گیرند و بر همین اساس رفتار می‌کنند.

زن، کارشناسی ارشد فلسفه غرب:

«من قبلاً بیشتر فکر می‌کردم مشترکات ما زیاد است. اما الان توهین می‌بینم. ببینید من تغییر رشته‌ای هستم. قبلاً در دانشکده علوم اجتماعی بودم و... همکلاسی من بود. من یک بار به او گفتم مگر تو را نگرفته‌اند؟! اینجا چه کار می‌کنی؟ و هیچ جوابی نداشت و به من می‌گفت مغز تو را شستشو دادند».

زن، کارشناسی ارتباطات:

«ببینید وقتی می‌گویم بی‌منطق به این معنی است که آنها منطق خاصی برای خودشان قائل هستند که تو هر چقدر هم سعی می‌کنی که آنها را بفهمی، نمی‌توانی».

یکی دیگر از انگاره‌های ذهنی که در رابطه با اعضای انجمن اسلامی وجود دارد بی‌توجهی آنها نسبت به واقعیت‌های جامعه است. پاسخگویان معتقدند این موضوع باعث می‌شود نگاه این افراد به مسائل اجتماعی نگاه سطحی باشد.

زن، کارشناسی حقوق:

«۵ سال است انجمن غیر از حصر چه مسئله دیگری را بیان کرده‌اند؟ یعنی تنها مسئله کشور فقط حصر است؟ آیا یک بیانیه اقتصادی دادند؟»

زن، کارشناسی ارتباطات:

«مثلاً می‌گویند مردم و برای بچه‌های کار نمایشگاه برگزار می‌کنند، ولی تا به حال در هیچ اردوی جهادی شرکت نکردند».

تعدادی از مصاحبه‌شوندگان برای توصیف اعضای انجمن اسلامی از واژه‌هایی مانند شاد،

هیپی، سیگار و دورهمی استفاده می‌کردند.

مرد، کارشناسی‌ارشد مطالعات منطقه‌ای:

«اولین چیزی که به ذهن من می‌رسد، کلماتی مثل هیپی، شادی، دورهمی و...

است».

زن، کارشناسی شیمی:

«دورهمی، شاد و خوشحال، سیگار اینها چیزهایی است که به ذهنم می‌رسد».

مصاحبه‌شوندگان معتقدند اعضای تشکل مقابل، رفتارهایی دارند که با هیاهو و جنجال

همراه است.

مرد، کارشناسی شیمی:

«اولین برخوردی هم که به‌لحاظ سیاسی از آنها در ۱۳ آبان دیدیم، همین جنجال

و جیغ و هیاهو بود، برنامه‌ای بود که دو طرف مناظره حضور داشتند و داد و هیاهو

بود».

مرد، کارشناسی مهندسی مکانیک:

«آنها توقع دارند که ما برنامه‌های آنها را به هم نزنیم، ولی خودشان در برنامه‌های

ما اخلال ایجاد می‌کنند، داد و فریاد می‌کنند».

د) تجددگرایی

اگر واژه «تجددگرایی» را به‌معنای هرآنچه که در مقابل سنت قرار می‌گیرد به‌کار ببریم، از نظر

اعضای بسیج دانشجویی، اعضای انجمن اسلامی، افرادی هستند که هم در ساحت اندیشه و هم

در ساحت رفتار تجددگرا هستند. این مفهوم مضامینی مانند «روابط آزاد»، «غرب‌گرایی»،

«تکثرگرایی»، «روشنفکری» و «عرفی‌گرایی» را در بر می‌گیرد. از دید اعضای بسیج دانشجویی،

افراد عضو تشکل انجمن اسلامی در برقراری روابط با جنس مخالف، بدون در نظر گرفتن

محدودیت‌های دینی و فرهنگی عمل می‌کنند و دارای روابط آزاد هستند.

زن، کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی:

«یکی از چیزهایی که در انجمن برای بچه‌ها جذاب است، روابط آزاد و راحت بین

دختر و پسر است».

از نظر پاسخگویان بسیج، وجود تمایلات و علایق غرب‌گرایانه در باورها و رفتارهای اعضای

انجمن را نشانه دیگری از تجددگرایی می‌دانند و به‌عنوان مثال دفاع آنان از تعامل با کشورهای

غربی را نشانه غرب‌گرایی در میان این جریان می‌دانند.

مرد، کارشناسی مهندسی شیمی:

«مثلاً برای ما دفاع از حق مظلومان فلسطینی و... مهم است، ولی آنها می‌گویند ما

باید رابطه خودمان با غرب را گسترش دهیم».

زن، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی:

«آنها علوم انسانی رایج دنیا را پذیرفتند و می‌گویند خیلی هم خوب است و این ما

هستیم که در اینجا نقد می‌کنیم. کلاً نگاه‌ها فرق می‌کند؛ چون مبانی فرق می‌کند».

خرده‌مضمون «تکثرگرایی» انگاره‌ای است که به این موضوع اشاره می‌کند که انجمن اسلامی تشکلی متکثر است و افرادی هم که اعضای این تشکل هستند از نظر اعتقادات دینی و وابستگی سیاسی با نظام، با یکدیگر متفاوت هستند و همه آنها تحت حمایت انجمن اسلامی هستند.

مرد، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی:

«چیزی که در ابتدا به ذهن می‌رسد، تکثری است که در میان بچه‌های انجمن

وجود دارد، تجربه ۷ ساله من در این دانشکده این است که بچه‌هایی که در انجمن

اسلامی فعالیت می‌کنند، طیف واحدی نیستند. یک‌سری‌ها هستند که از نظر سیاسی

شاید مخالف جمهوری اسلامی باشند و به دلیل اینکه فضای انجمن را مناسب می‌دانند،

می‌روند و فعالیت می‌کنند. و یک‌سری هم هستند که دغدغه تشکلی و دانشجویی

دارند».

مرد، کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای:

«ببینید آنها هم متکثر هستند و هم به تکثرگرایی اعتقاد دارند. مثلاً از لحاظ

دینی پلورالیزم دینی که آنها قائل هستند، مؤید این مطلب است».

گفتمان روشنفکری از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، هسته اصلی تفکر جریان انجمن اسلامی را

شکل می‌دهد. تعدادی دیگر از پاسخگویان به خرده‌مضمون روشنفکری و تفکر مدرن اشاره

می‌کنند.

مرد، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی:

«یک چیزی که وجود دارد و این باعث می‌شود که این دعوا هیچ‌وقت حل نشود،

این است که یک‌سری از بچه‌های انجمن که واقعاً به سیستم انجمن پایبند هستند این

بچه‌ها کاملاً مدرن فکر می‌کنند، ولی بچه‌های بسیج هنوز کاملاً مدرن فکر نمی‌کنند.

آنها آدم‌های مدرنی هستند، حتی از لحاظ فکری و فلسفی».

زن، کارشناسی علوم سیاسی:

«به لحاظ محتوایی، آنها کاملاً برداشت متفاوتی از اسلام دارند. آنها یک برداشت فردی دارند

و این طرف کاملاً برداشت متفاوت به معنای اسلام سیاسی دارد».

زن، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی:

«مثل همان حرفی که یکی از اساتید ما می‌زند و می‌گوید ایران یک جامعه مدرن

کج‌قواره است. آنها اصلاً تقابل سنت و مدرنیته را نمی‌پذیرند. می‌گویند مدرنیته سرنوشت محتوم ماست و باید از آن عبور کنیم. ولی ما این رویکرد را نداریم. آنها می‌خواهند با همین برداشت، به دین نگاه کنند، ببینید در نگاه مدرن است که دین جنبه‌های فردی پیدا می‌کند».

عرفی‌گرایی، به معنای به‌کارگیری دین در سطح فردی مانند اجرای احکام دینی و بی‌توجهی به احکام اجتماعی دین و مقدم دانستن اخلاق و عرف در جامعه، خرده‌مضمون دیگری است که انگاره‌های ذهنی مصاحبه‌شوندگان را در مورد اعضای انجمن اسلامی بیان می‌کند.
مرد، کارشناسی حقوق:

«به‌نظر من افراد مذهبی هستند. اهل نماز و روزه هستند. به‌نظر من آدم‌هایی هستند که بیشتر به اخلاق اهمیت می‌دهند تا مذهب. ولی به‌نظر من بیشتر چیزهایی که رعایت می‌کنند، بر اساس اخلاق و عرف است. مثلاً یک‌سری از روابطشان را به‌خاطر اخلاق و عرف است که رعایت می‌کنند به‌نظر من نماز و روزه را مراعات می‌کنند، ولی مثلاً حجاب و روابط را نه».

زن، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی:

«بنیادی‌ترین چیزی که وجود دارد، به‌نظر من این است که ما می‌گوییم همه چیز نسبی نیست و بالاخره یک حقی وجود دارد، ولی آنها اسلامشان یک اسلام گزینشی است».

ح) نسبی‌گرایی اخلاقی

نسبی‌گرایی اخلاقی مضمون دیگری است که شامل سه خرده‌مضمون قضاوت، تناقض و منفعت‌گرایی است. پاسخگویان به این مطلب اشاره می‌کنند که افراد در تشکل مقابل بر اساس اصول مطلق رفتار نمی‌کنند، همچنین معتقدند اعضای انجمن اسلامی، آنها را مورد قضاوت قرار می‌دهند.

زن، کارشناسی علوم سیاسی:

«ببینید مثلاً آنها از یک‌سری از موضوعات یک تفکری دارند مثلاً چیزی که در مورد بسیجی فکر می‌کنند، یک تفکر قالبی و بعد سعی می‌کنند همه آدم‌ها را در آن مفاهیم عامی که در ذهنشان هست جای دهند. مثلاً بسیجی کتاب نمی‌خواند. از هنر چیزی نمی‌فهمد این را در گفت‌وگو با آنها متوجه شدم، اگر هم کتاب بخواند فقط در یک دور باطل است. مثلاً یک بار یکی از آنها به من گفت: تو اصلاً می‌دانی «فوکو» کیست؟ آدم‌هایی که من با آنها تعامل داشتم این احساس را به من دادند».

تناقض خرده‌مضمونی است که بیان‌گر انگاره‌ی ذهنی دیگری در زمینه نسبی‌گرایی اخلاقی است.

مرد، کارشناسی حقوق:

«التقاط فکری و عملی با هم دارند. عکس‌های دفترشان در ضدیت کامل با هم هستند. عملکردشان در ضدیت با اسلام است. آیا این اسلام است که به خاطر دفن شهید اعتراض می‌کنند؟».

مرد، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی:

«کما اینکه سال‌هایی در این دانشکده بوده که سر این قصه در انجمن دعوا بود که پسوند اسلامی را حذف کنند از عنوان انجمن. من به‌نظر می‌رسد مثلاً قضیه‌ای که سر قصه امام هادی (ع) پیش آمد، بچه‌های انجمن از این اتفاق ناراحت نشدند. من معتقدم کسی که اعتقاد قلبی دارد این کار را نمی‌کند.»

از نظر اعضای بسیج، افرادی که عضو انجمن اسلامی هستند، افراد منفعت‌طلبی هستند. زن، کارشناسی ارشد فلسفه غرب:

«من اوایل فکر می‌کردم که تفاوت بنیادین بین ما وجود ندارد. من با هم‌کلاسی‌هایم دوست بودم، با آنها بحث می‌کردیم و من آن‌موقع نقدهای زیادی داشتم به حکومت، ولی بعدها سر بحث‌های هسته‌ای و... دیدم واقعاً افراد منفعت‌طلبی هستند.»

مرد، کارشناسی جامعه‌شناسی:

«آنها هرچه که به نفعشان باشد را قبول دارند. مثلاً می‌گویند ما امام را قبول داریم، ولی نمی‌گویند که امام می‌گوید ما با امریکا مخالفیم، این امام را آنها قبول ندارند. این همان معنای مصادره به مطلوب است.»

انگاره‌های خویشتن اعضای انجمن اسلامی

انگاره‌های خویشتن که انگاره‌های ذهنی افراد در مورد خودشان است در دو حالت یکی نگرشی که دیگران در رابطه با آنها دارند و دیگری، نگرشی که افراد در مورد خودشان دارند، مطرح می‌شود. از منظر دیگری، آنها به مضامینی مانند «غیر دیندار»، «تناقض» و «روابط آزاد» اشاره کرده‌اند. و در حالت دوم در مورد انگاره‌های ذهنی که اعضای انجمن از خودشان دارند، می‌توان به «دیندار»، «التزام به ولایت فقیه»، «هویت سیال»، «دموکراسی‌خواه»، «روشنفکر دینی» و «تکثرگرایی» اشاره کرد.

الف) از منظر دیگری: (غیر دیندار، تناقض، روابط آزاد)

افرادی که در شکل انجمن اسلامی عضو هستند، معتقدند نگاهی که نسبت به دینداری آنها وجود دارد نگاه درستی نیست و آنها را افراد دینداری نمی‌دانند.

زن، کارشناسی فلسفه:

«بچه‌های انجمن را خیلی آدم‌های معتقد و دینداری نمی‌دانند. در مسائل سیاسی تندرو می‌دانند که بعضاً خیلی تحت تأثیر آدم‌های بیرونی دانشگاه هستند». خرده مضمون تناقض در باور و رفتار، به این موضوع اشاره می‌کند که افراد معتقدند دیگران آنها را افرادی می‌دانند که در اندیشه و عملکردشان تضاد وجود دارد. مرد، کارشناسی ارشد علوم کامپیوتر:

«ببینید یک چیزی که آنها فکر می‌کنند و بی‌ربط هم نیست این است که یک دو رویی در بچه‌های انجمن می‌بینند. که واقعاً هم این‌طور است. مثلاً می‌گویند شما عکس امام خمینی و بهشتی و بازرگان و شریعتی را کنار هم قرار دادید. اتفاقاً من یک روز داشتم به بچه‌ها می‌گفتم این عکس‌ها اگر الآن زنده بودند با هم دعوا می‌کردند! آنها می‌گویند شما به لحاظ سیاسی از همه اینها نفع می‌برید، بله من به این می‌گویم تناقض!».

مرد، کارشناسی ارشد فلسفه:

«اگر بخواهند فارغ از تعارف حرف بزنند، احتمالاً خواهند گفت بچه‌های انجمن چندان روراست نیستند در فعالیتی که انجام می‌دهند. یعنی در عمل، کاری را انجام می‌دهند که در باور خودشان، چندان به آن اعتقادی ندارند. مثلاً شاید معتقد باشند بچه‌های انجمن به کلیت نظام باور ندارند، ولی به واسطه سیاسی کاری که در فعالیتشان وجود دارد، این‌طور وانمود می‌کنند که به کلیت نظام باور دارند».

خرده مضمون روابط آزاد، انگاره‌های ذهنی اعضای انجمن را در مورد نگاهی که دیگران در مورد روابط آنها دارند، مطرح می‌کند.

مرد، کارشناسی جامعه‌شناسی:

«از بیرون این را می‌گویند که ما اینجا اختلاط داریم، اما ما گفتگویمان علمی، سیاسی و... است. ولی آنها طور دیگری فکر می‌کنند».

مرد، کارشناسی ارشد فلسفه:

«ببینید اینکه یک سری آدم دور هم می‌نشینند و کتاب می‌خوانند، لزوماً به معنای اختلاط به معنای منفی آن نیست».

ب) از منظر خود: (دینداری / دینداری ضعیف، هویت سیال، التزام به ولایت فقیه، دموکراسی خواه، روشنفکر دینی و تکثرگرایی) اعضای انجمن اسلامی، نه تنها خودشان را افراد دینداری می‌دانند، بلکه اذعان دارند که جریان فکری نیز که به آن تعلق دارند، جریان دینی است.

مرد، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی:

«اصلاً انجمن اگر یک نهاد دینی دموکراسی‌خواه باشد، ارزش دارد و من در آن فعالیت می‌کنم. یعنی نیروهای دموکراسی‌خواه مسلمان در آن باشند. در حال حاضر، اسلام به لحاظ جامعه‌شناختی آن معنای تکیده‌ای که داشته را ندارد، به لحاظ معرفتی ما به یک اسلام ناب مطلق معتقدیم».

مرد، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی:

«درست است که طیف و تکثر در انجمن زیاد است، ولی نمی‌توانیم بگوییم این جریان دیگر اسلامی نیست. ما همین الان برنامه‌ها و حلقه‌های مذهبی داریم در انجمن، نهج‌البلاغه‌خوانی داریم. اگر استحاله باشد، چنین نمودهایی هم نمی‌تواند باشد».

تعدادی از پاسخگویان به این نکته اشاره می‌کنند که در برهه‌هایی از تاریخ انجمن اسلامی، جریان‌های ضد دینی در حال شکل‌گیری بودند که البته حذف شده‌اند و نیز معتقدند ممکن است افرادی هم باشند که تعلقات دینی نداشته باشند، ولی در انجمن اسلامی فعالیت کنند.

مرد، کارشناسی ارشد فلسفه:

«در دوره‌های خاصی مثلاً در سال ۸۴ یک شکافی در خود انجمن اتفاق می‌افتد، اصلاً ما یک شکافی داشتیم بین طیف دموکراسی‌خواه و طیف سنتی. سال ۸۴ انجمن نصف شد یک طیف سنتی به نام طیف خط امامی و یک طیف دموکراسی‌خواه که البته طیف دموکراسی‌خواه هم خودش دو طیف داشت؛ یعنی یک طیف مذهبی و یک طیف غیرمذهبی، و یک جریان حذف شد. بله در آن دو سال، طیف غیرمذهبی دموکراسی‌خواه بودند که قید و بند مذهبی هم نداشتند و در سیر تاریخی آن جریان خودبه‌خود حذف شد».

مرد، کارشناسی تاریخ:

«نوع دینداری بچه‌های ما با بچه‌های بسیج متفاوت است، هر چند افرادی در انجمن هستند که مذهبی نیستند، ولی انجمن تنها تشکل دانشجویی است که جای فعالیت برای این افراد است».

زن، کارشناسی شیمی:

«من فکر می‌کنم چارچوب انجمن در دهه ۶۰ مشخص‌تر بود. قبلاً برای بچه‌های مسلمان دانشجویی از طرف بزرگان انجمن چارچوبی مشخص می‌شد. به نظر من الان چون دغدغه‌ها، دغدغه‌های پایه‌ای‌تر از دغدغه‌های دینی است، شاید بعضی افراد غیرمعتقد هم اینجا باشند».

مصاحبه‌شوندگان معتقدند دانشجویان زیادی در دانشگاه هستند که در زمینه سیاست و اجتماع، دیدگاه متفاوتی دارند و این افراد نمی‌توانند برای خود تشکلی داشته باشند و به همین

علت، انجمن اسلامی پذیرای آنهاست. بنابراین هویت تشکلی آنها دچار سیالیت است. مرد، کارشناسی‌ارشد فلسفه:

«ببینید قانونی هست که می‌گوید در دانشگاه فقط تشکل‌های اسلامی اجازه فعالیت دارند. ما اصلاً قانون تشکل اسلامی داریم. جلوی مارکسیست‌ها را گرفتند. شعار نهضت آزادی چیست می‌گویند ما مسلمان، ایرانی و مصدقی هستیم، به اینها اجازه فعالیت نمی‌دهند. وقتی به هیچ تشکلی اجازه فعالیت نمی‌دهند، همه اینها به دنبال این هستند که صدایی داشته باشند و در جایی بتوانند حرف بزنند».

مرد، کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی:

«این نسل می‌آید دانشگاه و شما راهی نداری به عنوان شورای پذیرش انجمن که بفهمی این فرد مسلمان هست یا نیست. بله ما هم به اسلام ناب معتقدیم، ولی به لحاظ جامعه‌شناختی ما اسلام‌ها داریم؛ مثلاً خانواده‌های خیلی مذهبی که الان جم‌تی وی می‌بینند، شما نمی‌توانید به لحاظ جامعه‌شناختی بگویید مسلمان نیستند. حج شان را می‌روند، قربانی می‌کنند. چه بسا خمس و زکات هم می‌دهند که البته حرف عجیبی است، به لحاظ منطقی و فلسفی ناسازگار است. حالا شما ببینید این همه آدم می‌آید دانشگاه یکی هم می‌آید که به عرفان‌های نوظهور علاقه‌مند است او هم می‌آید. همه اینها خودشان را تا حدی مسلمان می‌دانند و از آن مهم‌تر خودشان را اصلاح‌طلب می‌دانند».

مرد، کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی:

«ساختار انجمن، کاملاً دانشجویی است. البته این مسئله باعث می‌شود آفت‌هایی هم به وجود بیاید. همین باعث شده که هویت انجمن هویت سیال‌تری باشد. کنشگر، عقلانی عمل نمی‌کند. ببینید بعضی‌ها می‌آیند عضو انجمن می‌شوند. می‌دانید به چه دلیل؟ چون یک‌بار مثلاً گشت ارشاد او را گرفته یا در خانواده تحت فشار بوده، کم‌کم ایده انتزاعی قدرت در او شکل گرفته. یک انباشتی از نفرت در او جمع شده نسبت به چیزی و آمده اینجا تا این نفرت را آزاد کند و این می‌شود که باعث می‌شود انجمن هویت سیالی داشته باشد».

پاسخگویان معتقدند برخلاف انگاره‌هایی که در مورد آنها وجود دارد، برای آنها قانون اساسی در درجه اول اهمیت قرار دارد. بعضی از آنها در مقابل «ولایت فقیه» خود را تابع می‌دانند و بعضی دیگر، به دلایل عدم پذیرش اشاره می‌کنند، اما در عین حال معتقدند التزام و نه لزوماً پذیرش درونی در مواجهه با «ولایت فقیه» وجود دارد.

مرد، کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی:

«ما از ولایت مطلقه فقیه هم دفاع می‌کنیم. اتفاقاً این را می‌شود هم تفسیر درون‌دینی کرد و هم تفسیر سکولار، شما اگر یک حاکمیت مطلق نداشته باشید، این

را هابز هم می‌گوید کدام قدرت را می‌خواهید توضیح کنید؟ اطلاق ولایت فقیه اصلاً به معنای اطلاق دولت مدرن است. به خاطر همین می‌گوییم جمهوری اسلامی یک پدیده مدرن تاریخ‌مند است. اصلاً اهمیت امام در این است، وگرنه امام با تمام فقیهانی که در این سال‌ها بودند، چه تفاوتی داشت؟».

من شخصاً ۸۸ وقتی سخنرانی حضرت آقا را شنیدم رفتم شهرستان سه ماه ماندم. انجمن تهران این کار را می‌کند. پلی تکنیک این کار را نمی‌کند! به به تضاد دولت و ملت حداکثری شده! برای پلی تکنیکی‌ها یک امکان سیاست شاعرانه به وجود آمده که برود آن را محقق کند. چه فرصتی بهتر از ۸۸ برای زیبایی‌های شاعرانه سیاست! ولی من می‌روم شهرستان و دوباره وقتی امکان چانه‌زنی و بروکراسی به وجود آمد، با نهاد و بسیج، دوباره کار ما شروع می‌شود، یک کار روتین افسرده...».

مصاحبه‌شوندگان معتقدند مردم سالاری و احترام به رأی و اندیشه افراد از ویژگی‌هایی است که در جریان منتسب به آنها وجود دارد و خود را دموکراسی خواه می‌دانند.

مرد، کارشناسی تاریخ:

«دچار زمان پرسی تاریخ هم نیستیم به آن معنا که بگوییم آن حکومتی که حضرت علی(ع) دارد، دموکراسی است. دموکراسی یک مفهوم مدرن و خاص دوران مدرن است، ولی آنچه که امام علی(ع) انجام می‌دهد، در دوران خودش می‌تواند شبیه به دموکراسی باشد. یعنی مؤلفه‌هایی را ما داریم که جمع آن مؤلفه‌ها، می‌شود دموکراسی.»

زن، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی:

«اختلاف من با بچه‌های بسیج این است که من دوست دارم به صورت دموکراتیک قدرت هر سمتی که دارد می‌رود، برود ولو غلط، با ارجاع به حرف شهید بهشتی و حرف شهید مطهری، که مردم ولو غلط بخواهند فسادش کمتر از این است که بالاجبار برایشان صلاح و مصلحت در نظر بگیری.»

مرد، کارشناسی ارشد فلسفه:

«انجمن ناچار است که از یک مفهوم ایجابی شروع کند مانند دانشجوی مسلمان دموکراسی خواه، ولی ناچاریم در عمل به یک مفهوم سلبی ختم کنیم. پس انجمن گویی نهاد اصلاح طلب است و یک دموکراسی امریکایی در آن هست در تقابل با دموکراسی فرانسوی. انجمن اسلامی دموکراسی را بدیل دین نمی‌داند، از دموکراسی‌ای دفاع می‌کند که در تضاد با دین نباشد.»

تعدادی از پاسخگویان معتقدند روشنفکری از مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهی به هویت انجمن است.

مرد، کارشناسی تاریخ:

«ما سر یک سری مسائل می‌خواهیم صحبت کنیم و اصلاً حرف برای گفتن داریم.»

برای مثال روشنفکری دینی، از سر رادیکال‌ترین طیف ما که به‌زعم آنها تجدیدنظر طلب است تا آن طیف خط امامی ما گفتمان روشنفکری دینی را قبول داریم». مرد، کارشناسی‌ارشد فلسفه:

«ببینید اصلاح طلبان در دهه ۷۰ می‌گفتند که ما اسلام رحمانی می‌خواهیم، ما می‌خواهیم که همه افراد بتوانند حکومت را نقد کنند. بشود به شخص اول حکومت نقد شود. دین با دموکراسی سازگار است و اینها همه تئوریزه شده». زن، کارشناسی فلسفه:

«مشخصاً انجمن اسلامی داعیه‌دار روشنفکری دینی بوده، داعیه‌دار سازگاری دین با دنیای امروز بوده و امروز هم شاید یک‌مقدار جنس فعالیت‌های دانشجویی با آن موقع متفاوت است. بچه‌های بسیج، دین سنتی‌تری را اعتقاد دارند».

مصاحبه‌شوندگان، تکثرگرایی را به‌عنوان یک عنصر مهم در هویت تشکلی خود مطرح می‌کنند.

مرد، کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی سیاسی:

«من نمی‌گویم همه باید مثل من فکر کنند. به‌نظر من حق مطلق وجود ندارد. به‌نظر من نظرات مختلف باید وجود داشته باشد تا امور مملکت پیش برود». مرد، کارشناسی‌ارشد فلسفه:

«ولی تلقی ما این است که اساساً در تکثر نگاه‌ها و تکثر برداشت‌هایی که وجود دارد در سطح اعتقادی، به‌نظر می‌آید اگر ما بخواهیم به این موضوع به‌عنوان یک جریان اجتماعی در سطح جامعه نگاه کنیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه تکثرگرایی را به‌رسمیت بشناسیم. اینکه برداشت‌های مختلفی از دین وجود دارد و الزاماً در سطح اجتماعی نمی‌توان اینها را تقلیل داد به نگاه واحدی. اگر ما برویم در سطح اجتماعی به این سمت که چه قرائتی درست است و چه قرائتی درست نیست، در واقع داریم تلاش می‌کنیم نوعی وحدت‌انگاری را حاکم کنیم و این تبعات اجتماعی دارد».

نتیجه‌گیری

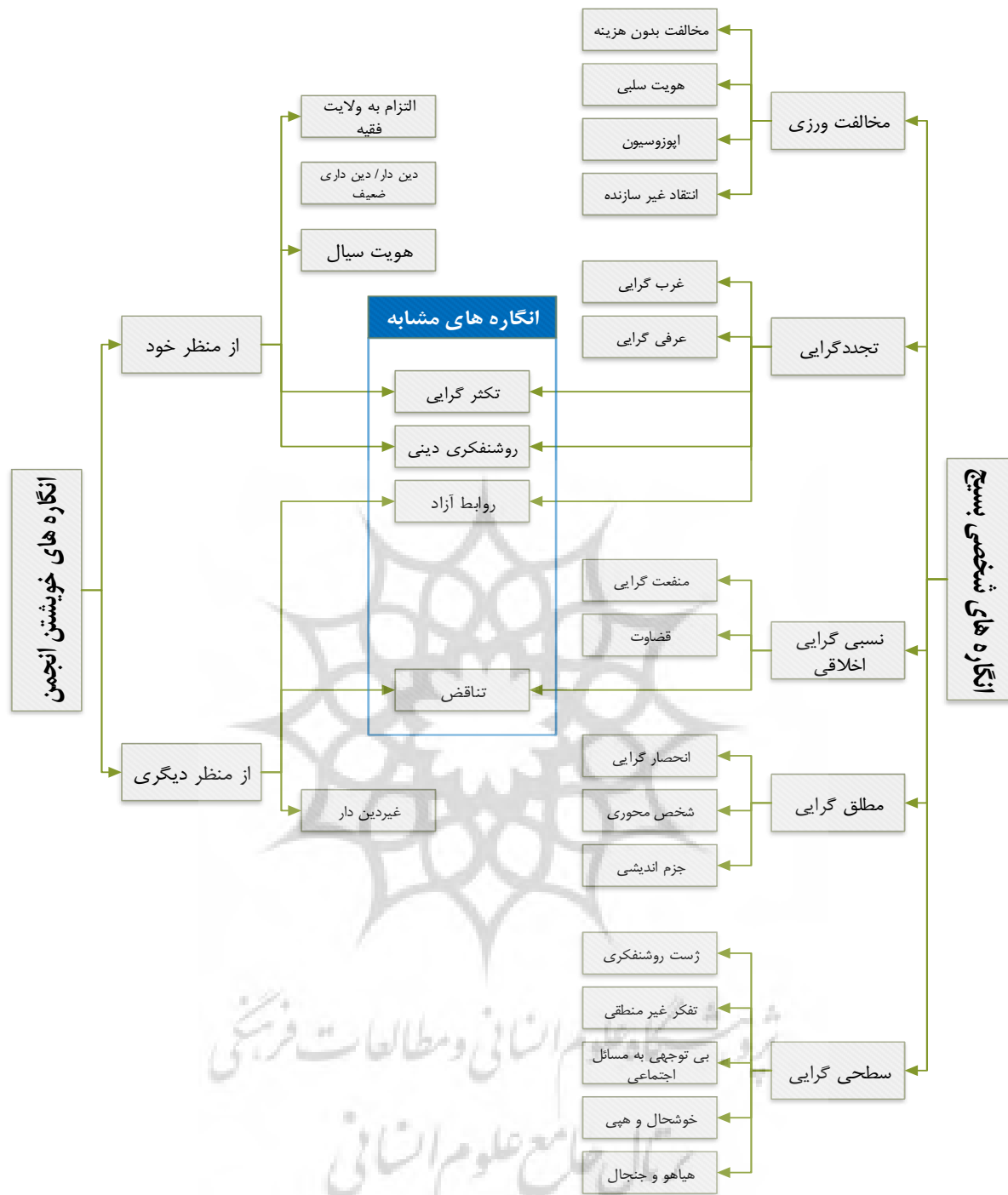
با استفاده از تحلیل مضمون داده‌ها، پنج انگاره ذهنی شخصی اعضای بسیج نسبت به اعضای انجمن شناسایی شد، که شامل «مخالفت‌ورزی»، «تجددگرایی»، «نسبی‌گرایی اخلاقی»، «سطحی‌گرایی» و «مطلق‌گرایی» است. اعضای بسیج، ویژگی‌هایی را از جمله داشتن روابط آزاد، غرب‌گرایی، تکثرگرایی، عرفی‌گرایی و قائل به گفتمان روشنفکری دینی را از ویژگی‌های اعضای این تشکل می‌دانند که این ویژگی‌ها ذیل مضمون «تجددگرایی» تعریف شده‌اند، از میان این مضامین دو مضمون تکثرگرایی و روشنفکری دینی از مضامینی است که انگاره‌های

خویشتن اعضای انجمن نسبت به خودشان هست و در شکل (۱) با عنوان انگاره‌های مشابه نام‌گذاری شده است؛ زیرا این دو مضمون به‌عنوان انگاره‌های شخصی بسیج نیز مطرح شده‌اند. همچنین مضمون تناقض و روابط آزاد، از مضامین خودانگاره از منظر دیگری هستند که با انگاره شخصی اعضای بسیج مشابهت دارد. انگاره‌های خویشتن انجمن از منظر خود شامل هویت سیال، التزام به ولایت فقیه، دینداری-دینداری ضعیف است. آنها به مضمون هویت سیال به‌عنوان یک خودانگاره اشاره می‌کنند، در حالی که اعضای بسیج، مضمون هویت سلبی را به‌عنوان یک انگاره شخصی در مورد آنها بیان می‌کنند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد عمدتاً انگاره‌های این دو گروه دانشجویی نسبت به یکدیگر را نمی‌توان انگاره‌های مثبتی ارزیابی کرد، نکته قابل توجه این است که اساساً نگرش‌های منفی به سوءتفاهمات دامن می‌زنند و مانع برقراری کنش‌های ارتباطی سازنده می‌شوند. وجود انگاره‌های منفی یکی از علل اختلال‌های ارتباطی است و همین امر، سبب عدم شکل‌گیری تصویری طبیعی از یکدیگر می‌شود. وقتی یک گروه اجتماعی تصویری غیرطبیعی و غیرواقعی از گروه اجتماعی دیگر پیدا می‌کند، اساساً به‌دنبال گفت‌وگو و فهم مشترک نخواهد بود. زمانی که راه برای برقراری گفت‌وگو بسته باشد، تعاملات مسیر واقعی خود را پیدا نمی‌کنند و این انباشتگی انگاره‌های منفی به ایجاد تلقی «دیگری پلید» منجر می‌شود.

یکی از دلایل عدم پذیرش و به‌رسمیت‌شناختن گروه‌ها وجود انگاره‌های ذهنی منفی نسبت به آنهاست، تغییر این انگاره‌ها که در اثر گفت‌وگو و تعامل بیشتر ایجاد می‌شود، می‌تواند شرایط بهتری برای حضور این گروه‌ها در جامعه و برقراری تعامل سازنده میان آنها فراهم کند. به‌نظر می‌رسد ایجاد کرسی‌های آزاداندیشی و برقراری گفت‌وگوهای واقعی، به شفافیت مواضع و شکل‌گیری انگاره‌های واقعی کمک می‌کند.

در این خصوص پژوهش‌های بیشتری لازم است تا موانع شکل‌گیری گفت‌وگو در جامعه ایران مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین در تحقیقات مربوط به سنجش اعتماد عمومی، انگاره‌های ذهنی به‌عنوان عنصر مهمی در شکل‌دهی ذهنیت شهروندان جامعه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

علاوه بر این، برای شناسایی دال‌های گفتمانی که مؤلفه‌های هویتی این دو تشکل دانشجویی را مشخص می‌کند، می‌توان از روش‌های تحلیل گفتمان در تحقیقات آتی استفاده کرد. از آنجا که این دو تشکل دانشجویی، نماد گفتمان‌های بزرگ‌تری هستند که در جامعه ایران وجود دارند، استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان برای مطالعه گفتمان‌ها به شفافیت مؤلفه‌های هویتی آنها کمک می‌کند.



شکل ۱. رابطه انگاره‌های ذهنی خویش‌انگاره و انگاره‌های ذهنی شخصی بسیج

منابع

- ایروانی، محمود؛ و باقریان، فاطمه (۱۳۸۳) شناخت اجتماعی (روانشناسی اجتماعی) تهران: نشر ساوالان.
- بی، ازل (۱۳۸۴) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت.
- حکیمی‌مهدی‌آبادی، شیما (۱۳۹۰) بررسی آثار ارتباطات میان‌فرهنگی زوج‌های ایرانی و فرانسوی عضو انجمن دوستی ایران و فرانسه ساکن تهران بر انگاره‌های ذهنی و کاهش حساسیت بین‌فرهنگی آنها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات، به راهنمایی دکتر سید محمد دادگران. دانشگاه آزاد اسلامی.
- دلاور، علی (۱۳۸۰) مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- شاه‌قاسمی، احسان (۱۳۹۳) انگاره‌های بین‌فرهنگی امریکائیان از مردم ایران، پایان‌نامه دکتری رشته علوم ارتباطات، به راهنمایی دکتر سعیدرضا عاملی. دانشگاه تهران، شهریور ماه.
- عاملی، سعیدرضا؛ مولایی، حمیده (۱۳۸۸) «دوجهانی‌شدن‌ها و حساسیت‌های بین‌فرهنگی؛ مطالعه موردی روابط بین‌فرهنگی اهل تسنن و تشیع در استان گلستان» فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، سال دوم، شماره ۲. صص ۲۹-۱.
- عاملی، ایمانه (۱۳۹۰) مطالعه رابطه انگاره‌های ذهنی و هویت فرهنگی نسل دوم ایرانیان مقیم امریکا (ایرانی - امریکایی‌ها)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات، به راهنمایی دکتر سعیدرضا عاملی، دانشگاه تهران.
- عاملی، سعیدرضا؛ حجاری، منصوره (۱۳۹۷) «مطالعه انگاره‌های ذهنی تشکل‌های دانشجویی دانشگاه تهران: انگاره‌های شخصی انجمن اسلامی و خویش‌ن‌سیج دانشجویی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، سال ۱۱، شماره ۳. صص ۱۳۰-۱۰۳. پاییز.
- لیندلاف، تامس؛ و تیلور، برایان (۱۳۸۸) روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات. ترجمه عبدالله گیویان. تهران: انتشارات همشهری.
- مهری، کریم؛ یزدخواستی، بهجت؛ پناهی، محمدحسین (۱۳۹۳) «سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال چهارم، شماره ۱۰. صص ۷۵-۹۸. بهار و تابستان.
- نیک‌گوهر، عبدالحسین (۱۳۶۹) مبانی جامعه‌شناسی و معرفی تحقیقات کلاسیک جامعه‌شناختی. تهران: انتشارات رایزن.
- Bennett, M. J (1986). "A developmental approach to training for intercultural sensitivity", International Journal of Intercultural Relations, Volum 10. No.2. PP:179-196.
- Braun, V., & Clarke, V (2006) "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Volum 3.No.2. PP: 77-101
- Brewer, M. B (1997). "The social psychology of intergroup relations: Can research inform practice?", Journal of Social Issues, Volum 53.No.1.PP: 197-211 .
- Hammer, M. R. Bennett, M. J., & Wiseman, R (2003) "Measuring intercultural sensitivity:

The intercultural development inventory", International Journal of Intercultural Relations, Volum 27.No. 4. PP: 421-443.

Markus, H (1977). "Self-schemata and processing information about the self", Journal of personality and social psychology. Volum 35..No. 2. PP:1-16

- Nishida, H (1999)." A cognitive approach to intercultural communication based on schema theory", International Journal of Intercultural Relations,Volum 23.No.5. PP: 753-777.

- Polit, D. F., & Hungler, B (1992) "Nursing research. Dimensions of Critical Care Nursing", Volum11.No.1.PP: 63.

- Reber, A. S., & Reber.E.S (2001) The Penguin dictionary of psychology, (3rd ed.) London: Penguin Books

- Sharifian, F., &Jamarani, M (2011) "Cultural schemas in intercultural communication: A study of the Persian cultural schema of sharmandegi "being ashamed", Intercultural Pragmatics, Volum 8.No.2.

- Taylor, S. E., & Crocker, J (1981) "Schematic bases of social information processing", In E. T. Higgins, C. P. Herman & M. P. Zanna (Eds.), Social cognition: the Ontario symposium.Volum 1.PP: 89-134. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum

- Turner, J. C (1987) Rediscovering the social group, Oxford, UK: Basil Blackwell.





پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی